

متن پرسش

با عرض سلام: ۱. با دیدن رفتارهای علنی در جامعه که مخالف با حکمی از احکام شریعت هست احساس ضعف و عصبانیت می‌کنم و این حس به خاطر خدا ایجاد نمی‌شود. احساس ضعیف شدن و اینکه به شخص من توهین شده به وجود می‌آید. چه کتابی برای این مشکل معرفی می‌فرمایید؟ ۲. با دیدن بی‌حجابی (نه بد حجابی) قوه غضب در من قوت می‌گردد و در احساس و عزم طی کردن راه بندگی سستی پیش می‌آید و سرد می‌شود. چرا باید عزم به عمل دیگران مربوط شود برای حل این مشکل چه کتاب یا کاری رو معرفی می‌فرمایید؟ قبلاً در مواجهه با بی‌حجابی تذکراتی در خیابان و .. می‌دادم بعضاً اصطکاکاتی سطحی پیش می‌آمد در جواب به شرایط امر به معرف که بیان کردید من اینجور برداشت کردم باید در جایی مناسب و شرایط آرام و بدور هیاهو تذکر داده شود برای همین اون تذکرات در جمع و خیابان را نمی‌دهم. این عمل از احساس مورد ۱ و ۲ کم کرده است. اگر برداشت و کارم اشتباه است تصحیح بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در شرایطی هستیم که شهرها بسی گسترده‌تر از شرایط گذشته است که محدود بودند و همه همدیگر را می‌شناختند و به همین جهت باید در ارائه معارف الهی راه‌های دیگری را جستجو نمود و به نظر می‌آید فضای مجازی یکی از آن راه‌ها می‌باشد. اکثر این بندهای خدا تحت تأثیر تبلیغات بیگانگان هستند و نه آن‌که قصد مقابله با اسلام و آموزه‌های دینی را داشته باشند.

ما در ابتدای انقلاب برکه و یا نهایتاً دریاچه‌ای بیش نبودیم که با سرازیرشدن رودخانه‌های گل‌آلود، به‌کلی گل‌آلود می‌شدیم و لذا اگر آدم‌های مشکوک در دل انقلاب حضور فعال پیدا می‌کردند، ماهیت انقلاب را تغییر می‌دادند و در این رابطه اگر در بعضی موارد در دفع افراد مشکوک افراط شد، در صحت اصل آن قضیه نباید شک داشت. مثل وقتی تنها در ابتدای حضور ایمانی خود قرار داریم و نهایت توحید ما آن است که خداوند یکی است و شریکی ندارد، ولی از آنجایی که نور توحید ظهور بعد از ظهور دارد و آرام‌آرام خود را تا آنجا نشان می‌دهد که می‌یابید او در عین حال که «احد» است، «صمد» است. انقلاب اسلامی به نور توحیدش نسبت به ابتدای خود در حال حاضر بسیار گشوده شده، مثل آن‌که اقیانوس اگر صدها رودخانه گل‌آلود در آن بریزند، گل و لای‌ها را فرو می‌نشاند و آب‌های رودخانه‌ها را از جنس خود می‌کند و در آغوش می‌گیرد. در این دیدگاه عرض می‌شود به

توحیدی رسیده‌ایم که متوجه می‌شویم متفکران مذکور در آن توحید جای دارند. آری امثال مارکس و فویرباخ توحیدی نیستند و خودشان هم چنین ادعاهای نکرده‌اند ولی جدای این افراد، متأسفانه ما در شرایطی نیستیم که دغدغه‌های توحیدی متفکران جهان را بفهمیم و با فرض این‌که می‌خواهیم در جهان حاضر شویم آن‌ها را از آن خود کنیم. موفق باشید